نمونهٔ پرشده ۱

فرم تعریف کار: از «تو نگفتی» تا «تمام شد»

از پروندهٔ «مدیریت شفاهی در یک تولیدی کوچک» | نمونهٔ آموزشی؛ عددها برای نمونه‌اند

zofino

این فرم پیش از سپردن هر کار مهم پر می‌شود؛ چند دقیقه برای نوشتن، به‌جای چند روز «حالا چکار کنم؟». اینجا همان کاری را پر کرده‌ایم که در پرونده، برای فهمیدن وضعیتش باید از چند نفر پرسیده می‌شد.

عنوان کار	**پیگیری سفارش سری بعدی قطعات از تأمین‌کنندهٔ بیرونی، تا رسیدن به انبار**
به کدام پروژه و هدف وصل است؟	پروژه: «تأمین قطعات روی یک مسیر دیدنی» ← هدف: تولید بدون توقف به‌خاطر کمبود قطعه
مسئول فقط یک نفر	مسئول خرید
نتیجهٔ مورد انتظار کار تمام‌شده دقیقاً چه شکلی است؟	قطعات با همان تعداد و مشخصات پیش‌فاکتور در انبار تحویل و شمارش شده‌اند، و تاریخ رسیدن دست‌کم ۵ روز کاری زودتر به مسئول تولید اعلام شده است.

محدودهٔ کار

جزو این کار هست

- پیگیری حمل تا انبار
- به‌روز کردن وضعیت هر مرحله روی پروژه
- هماهنگی زمان تحویل با انبار

جزو این کار نیست

- مذاکرهٔ قیمت با تأمین‌کننده
- تغییر تعداد، مشخصات یا تأمین‌کننده (با مدیر)

حد اختیارات
به عدد؛ «هر وقت لازم بود بپرس» حد نیست

خودش تصمیم می‌گیرد و فقط ثبت می‌کند

- هزینهٔ اضافهٔ حمل تا **۱۵ میلیون تومان**
- تأخیر تا **۳ روز کاری**، با هماهنگی خودش
- انتخاب بین دو روش حمل هم‌قیمت

همان روز خبر می‌دهد و منتظر تصمیم می‌ماند

- هزینهٔ اضافه بیشتر از ۱۵ میلیون تومان
- تأخیر بیشتر از ۳ روز کاری
- هر تغییر در تعداد، مشخصات یا تأمین‌کننده

چه کسی، چه وقت خبردار شود؟

- **مدیر:** فقط برای موارد بیرون از حد اختیار، همان روز، در چت پروژه
- **مسئول تولید:** وقتی تاریخ رسیدن قطعی شد، و هر تأخیری که تاریخ تولید را جابه‌جا کند
- **انبار:** ۲ روز کاری پیش از رسیدن محموله

موعد و مایلستون‌ها
از روز ثبت کار

روز ۲	تأیید پیش‌فاکتور و ثبت سفارش
روز ۵	پرداخت و تأیید ارسال از طرف تأمین‌کننده
روز ۱۵	محموله در راه؛ هماهنگی زمان تحویل با انبار
روز ۲۱	**تحویل و شمارش در انبار (موعد نهایی)**

معیار «تمام شد»

- ☐ تعداد و مشخصات با پیش‌فاکتور یکی است
- ☐ برگهٔ ورود انبار ثبت شده است
- ☐ مسئول تولید تاریخ شروع تولید را تأیید کرده است
- ☐ وضعیت کار روی پروژه «تحویل شد» است

نمونهٔ پرشده ۲

همان کامپیوتر، این بار با فرم

جایی که پرونده شروع شد: «تو نگفتی نرم‌افزارش رو هم نصب کنم» | عددها برای نمونه‌اند

zofino

کار ساده‌ای بود و همین سادگی باعث شد شفاهی سپرده شود. اگر همین پنج خانه پیش از سپردن کار پر شده بود، «راه انداختن سیستم» برای هر دو نفر یک معنا داشت.

عنوان کار	**راه‌اندازی کامپیوتر جدید واحد اداری**
مسئول فقط یک نفر	نیروی پشتیبانی
نتیجهٔ مورد انتظار	کاربر واحد همان روز پشت سیستم بنشیند و کار کند.
محدودهٔ کار	**جزو این کار هست** • اتصال سخت‌افزار و مانیتور • نصب ویندوز و نرم‌افزارهای کاری واحد • اتصال به شبکه و چاپگر **جزو این کار نیست** • انتقال فایل‌های سیستم قدیمی (کار جدا)
حد اختیارات	خرید قطعه، کابل یا نرم‌افزار لازم تا **۳ میلیون تومان** با خودش؛ بیشتر از آن، همان روز خبر بدهد.
چه کسی، چه وقت خبردار شود؟	کاربر واحد، وقتی سیستم آماده شد	مدیر، فقط اگر خرید بیشتر از سقف لازم شد
موعد	فردا، ساعت ۱۲ ظهر
معیار «تمام شد»	☐ کاربر با حساب خودش وارد سیستم شده است ☐ نرم‌افزارهای کاری باز می‌شوند ☐ اولین چاپ گرفته شده است

پنج سؤال پیش از سپردن هر کار

۱. نتیجه‌ای که می‌خواهم دقیقاً چه شکلی است؟
۲. چه چیزهایی جزو این کار هست و چه چیزهایی نیست؟
۳. تا چه سقفی خودش تصمیم می‌گیرد، بدون اینکه از من بپرسد؟
۴. چه کسی و چه وقتی باید خبردار شود؟
۵. تا کی باید تمام شود و از کجا بفهمیم واقعاً تمام شده؟

اگر جواب یکی از این پنج سؤال را نمی‌دانید، کار هنوز آمادهٔ سپرده شدن نیست. همان خانهٔ خالی، جایی است که «حالا چکار کنم؟» بعداً از آن بیرون می‌آید.